

کار آفرینی در روستا

با بهره‌گیری از امکانات محلی و ملاحظات نظری و تجربه‌های عملی

دکتر محمدحسین عمادی
اسفندیار عباسی



چکیده

در این مقاله، ابتدا مباحث و یافته‌های نظری در زمینه اشتغال در مناطق روستایی مطرح می‌شود و سپس به موانع معرفت‌شناسی کارآفرینی و جایگاه آن در تلاش ملی برای ایجاد فرصت‌های شغلی در روستاها اشاره خواهد شد. در ادامه مقاله نیز درس‌های تجربی و یافته‌های روش‌شناختی کارآفرینی با بهره‌گیری از امکانات محلی که از طرح مشارکتی توسعه محلی در روستای خوره بدست آمده است بیان می‌شود. دستاوردهای این تحقیق بیانگر این نکته است که با تحول در شیوه نگرش و پیش‌داوری‌ها و همچنین با اتخاذ بینش مثبت و کاربردی نسبت به امکانات و

ما در مسئله کار و اشتغال مقدار زیادی دچار توهمات هستیم. کار را دولت باید ایجاد کند، کار یعنی کشاورزی، تنها عامل محدودکننده اشتغال سرمایه است، بیکاری یعنی بیکار ماندن مردان و تصورات دیگری نظیر اینها... نوشته حاضر بر روی تمام این افکار خط باطل می‌کشد و بی‌درنگ تجربه خوره‌ها را پیش چشم شما می‌گذارد... در اینجا ثابت شده که در توسعه محلی تنها امکانات محلی را اگر درست تشخیص بدهیم و عاقلانه مورد استفاده بگیریم راه میان‌بری را برگزیده‌ایم... و بزرگترین حسن مقاله اجتناب مصرانه آن از تعصب است. کاری که در خوره انجام شده نسخه همه دردها در همه جانیست، اما راهنمای عمل بسیار خوبی است. در هر جا باید مطالعه کنیم، شرایط را بشناسیم و متناسب با آن راه حلی برای مشکل پیدا کنیم.

سردبیر

استعدادهای محلی رفع مسئله بیکاری در روستاها کاملاً امکان پذیر خواهد بود. تجارب عملی نیز نشانگر این واقعیت است که رفع بیکاری در روستا را نباید با پایان موج مهاجرت مترادف دانست.

مقدمه

با مروری گذرا بر موقعیت کنونی و پیش بینی مسایل آتی توسعه کشور، به سه چالش عمده و اساسی که در سطح ملی طی دو دهه آینده با آن روبه رو خواهیم بود، مواجه می شویم:

۱. بیکاری فزاینده قشر جوان
۲. ناتوانی جذب سرمایه های داخلی و خارجی در فرایند تولید
۳. نابرابری فزاینده از بعد بخشی و منطقه ای

طبیعی است که این سه مورد با هم در ارتباط اند و در ناآرامی بخش اقتصاد، (طی سالهای قبل و بعد از انقلاب) ریشه دارند. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این نقصان، به سه شکل فوق الذکر بروز کرده و به مهاجرت روستاییان به شهرها دامن زده است. درباره بیکاری، که محور اصلی بحث این مقاله است، باید بپذیریم که مسئله اشتغال قشر جوان، چنانچه به همین صورت ادامه یابد، به یک معضل امنیتی بدل خواهد شد. با توجه به افزایش جمعیت و رسیدن تعداد بیشتری از متولدین دهه شصت به سن کار، هر ساله، شاهد ورود حداقل ۸۰۰ هزار جوان طالب کار به بازار کار خواهیم بود. لذا بررسی و چاره جویی در این راستا از بعد اقتصادی و اجتماعی و امنیتی، درخور اهمیت و توجه است.

تاکنون با این مسئله از ابعاد اقتصادی و نقطه نظر منابع " با تاکید بر عنصر سرمایه و مقوله سرمایه گذاری " برخورد شده است و در نتیجه چاره ای کارآمد برای کاهش نرخ بیکاری جوانان شهری و روستایی ارایه نشده است.

با توجه به افزایش جمعیت و رسیدن تعداد بیشتری از متولدین دهه شصت به سن کار، هر ساله، شاهد ورود حداقل ۸۰۰ هزار جوان طالب کار به بازار کار خواهیم بود.

دیدگاه دیگر این است که بپذیریم همانند دیگر موارد توسعه و توسعه نیافتگی، در مسئله بیکاری نیز بعد مدیریت و تصمیم " همسنگ با بعد منابع " مهم و راهگشاست.

در بعد تصمیم و مدیریت سه عامل "شناخت عالمانه، اراده همگانی و سازمان مناسب" قابل توجه و تأمل است. برای روشن شدن ابعاد مختلف بحث اشتغال و اینکه چگونه از امکانات محلی می توان برای کارآفرینی در روستا بهره برد، شناخت بهتر نسبت به محیط روستا و ویژگیهای آن بی شک راهکارهای نوین و افقهای فکری جدیدی را خواهد گشود.

تحول در نگرش کارشناسان و سیاست گذاران پیش شرط موفقیت در شناخت و حل معضل اشتغال

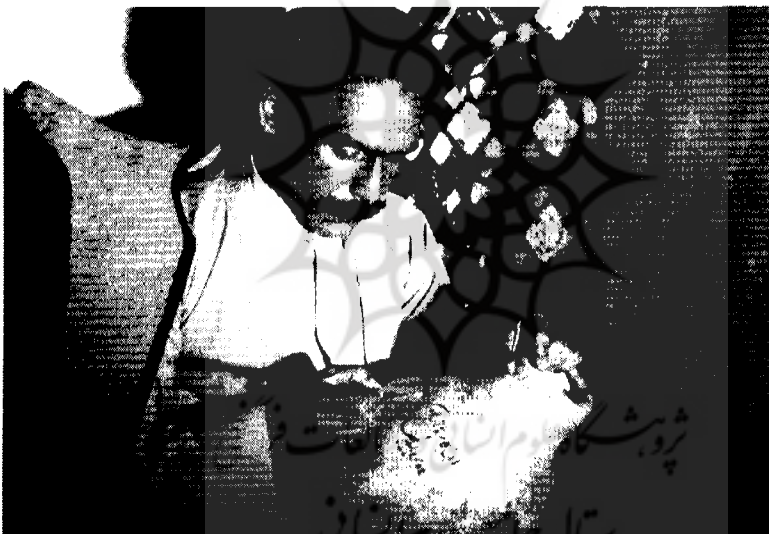
به نظر می رسد که اصلی ترین ضرورت در حل و رفع بیکاری، تحول در شیوه نگرش و مفهوم دهی به ساختارهای ذهنی موجود است. در ابتدا جا دارد به محدودیتهای معرفتی در مورد کار و اشتغال در روستا که درک و چاره اندیشی ما را در ایجاد فرصتهای شغلی در روستا محدود کرده است اشاره کنیم. در زیر برخی از این پیشداوری ها که اعتقاد نویسندگان این ستور به عنوان مانع و حجاب ادراکی در شناخت کارشناسان و سیاست گذاران از محدودیتهای و فرصتهای اشتغال در جامعه روستایی عمل می کند اشاره می شود:

الف) فرصت اصلی اشتغال در روستا، صرفاً در فعالیتهای کشاورزی و زراعت انگاشته می شود.

بخش خدمات بوده است. این در حالی است که کمترین توجه به فرصتهای اشتغال در بخش خدمات در جامعه روستایی شده و توسعه این امر در بخش صنایع روستایی نیز به رغم اقدامهای به عمل آمده سمت گیری برای ایجاد اشتغال موثر در جامعه روستایی متولی خاصی ندارد.

ب) امکان و فرصتی برای گسترش و توسعه منابع در بخش کشاورزی ایران قائل نمی شویم.

در حالی که می توانیم با توجه به عنصر بهره وری، راندمان منابع موجود را به سطح بالاتری ارتقا دهیم به دلایل طبیعی و تاریخی بسیاری از منابع اصلی کشاورزان در کشور ما هنوز بالفعل نشده است. ما در کشوری زندگی می کنیم که محدودیت اصلی در تولید کشاورزی آب است نه زمین و می بایست در افزایش بهره وری راهکارهایی جست که به بهره برداری بیشتر از هر واحد بینجامد. براساس آمار و ارقام، هنوز منابع عظیمی از ۱۴۰ میلیارد مترمکعب آب کشور به هدر می رود که



می تواند به کشاورزی و اشتغال بیشتر منجر شود. برای مثال، این امکان وجود دارد که در استان خوزستان، ۱۳ میلیون هکتار زمین زیرکشت آبی رود وزمین اشتغال تعداد عظیمی از افراد را فراهم سازد.

ج) شغل " یک فعالیت کامل اقتصادی تلقی می شود که می تواند نیازمندیهای فرد و خانواده را تامین کند."

تصور غالب این است که درآمد و گذران زندگی افراد و خانواده ها در روستا باید از یک شغل و یک پیشه باشد. اما این تصور با آنچه در محیط روستا مقدور و مطلوب بوده و هست مطابقت ندارد. در اقتصاد روستا، مردم معیشت خود را از مجموعه ای از خرده مشاغل تامین می کنند. وقتی برنامه ریزان فقط برای ایجاد یک شغل طرح می ریزند، طبعاً به خرده مشاغل

این اصلی ترین محدودیت شناختی مدیریت و تصمیم گیری ها در زمینه ایجاد اشتغال در روستاهاست که در اذهان کارشناسان و برنامه ریزان حاکم است. واقعیت امر این است که گذران امور مردم در روستا همواره از چندین شغل تامین شده است و کشاورزی و کلیه فعالیتهای مربوطه، فقط بخشی از آن بوده است. در سالهای اخیر با بالا رفتن سطح سواد و توسعه زیرساختها (احداث حاده، اتصال به شبکه برق و مخابرات) فرصتهای شغلی جدیدی در بخش صنعت و خدمات در مناطق روستایی به وجود آمده است. لازم به ذکر است که در ۲۷ کشور آسیایی، از جمله ایران، فرصتهای اشتغال که در ۱۰ الی ۱۵ سال اخیر گسترش یافته عمدتاً در



جهاد

توجهی ندارند. در صورتی که مشاغل فصلی و فعالیت‌های کوچک در کنار هم قرار می‌گیرند و معیشت روستاییان را تامین می‌کنند. این امر هم باعث ریسک‌گریزی و سامان‌سرمایه و درآمد می‌شود و هم لطمات ناشی از تغییرات نامطلوب طبیعی و اقتصادی را کاهش می‌دهد.

د) کوچک بودن و محدودیت‌های جوامع روستایی عامل محدودکننده فرصت‌های شغلی در خدمات و صنعت تلقی می‌شود.

این تصور توسعه‌زیربنایی روستاها که بعد از انقلاب به وجود آمده است را به کلی نادیده می‌گیرد. دسترسی به برق و تلفن در بسیاری از روستاها، این جوامع کوچک را عملاً به دهکده

جهانی مرتبط کرده است. هم اکنون ایجاد شغل از روش‌های بی‌سابقه‌ای همچون ارائه خدمات کامپیوتری و تایپ در روستاهای حومه شهرهای بزرگ قابل تصور و عملی است کما اینکه این کار در فرانسه و کره جنوبی صورت گرفته است. با اتصال بیش از ۹۸ درصد از جمعیت روستایی کشور به شبکه برق، فرصت‌های جدید و بی‌سابقه‌ای برای کارآفرینی به وجود آمده است و روستاییان توانسته‌اند با امکانات جدید به نوآوری دست برند. ۴.

ارایه تورهای تفریحی و خدمات پذیرایی و گردشگری نمونه دیگری از نوآوری در بهره‌گیری از امکانات موجود محلی است. هر یک از فعالیت‌های تولیدی عادی روستاهای ما از

دولت مظهر پول و قدرت و سمبل کنترل است که تصدی‌گری امور ملت را برعهده دارد. هرچند با استفاده از الفاظی چون "ارباب رجوع" و "دولت خدمتگزار" سعی کرده‌ایم که این تصور نابجا از دولت را تغییر دهیم. اما در پشت این تصور مردم از دولت، معرفت‌شناسی عمیقی وجود دارد که با این تدابیر کلامی، از میان رفتنی نیست. واقعیت این است که دولت عملاً این نقش را پذیرفته است.

اما آیا دولت می‌خواهد (یا می‌تواند) این مسئولیت‌گران را عهده‌دار شود؟ آنچه مقتضی است این است که دولت در ایجاد شرایط مناسب برای کارآفرینی و اشتغالزایی توسط خود مردم گام بردارد. یکی از اقدامات سازمان‌های دولتی برای به وجود آوردن شرایط بهتر این است که طناب خود را از دست و مغز مردم و کارشناسان باز کنند. در زمینه کارآفرینی باید محیطی آزادتر برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های محلی ایجاد شود و از مقررات دست و پاگیر جداگانه شود. کارآفرینی در روستا مستلزم خلاقیت، ابتکار عمل و استفاده فوری از موقعیتها و فرصتهاست و دولت با سیستم متمرکز خود نمی‌تواند (به لحاظ نداشتن اطلاعات کافی) مستقیماً در ایجاد فرصت‌های شغلی محلی شرکت داشته باشند.

و) تنها عامل محدودکننده فرصت اشتغال را سرمایه می‌پندارند.

این تصور به صورت اصلی‌ترین باور مسئولان و کارشناسان درآمده است. ضمن اذعان به نقش مهم سرمایه، باید این اصل را قبول کرد که این تصور در صورتی درست است که نهادهای اجتماعی مناسب برای بهره‌برداری از سرمایه داخلی و خارجی، به عنوان یک پیش شرط، وجود داشته باشند. به عبارت روشن‌تر، تازمانی که شاهرگ، سرخ‌رگ و رگ و مویرگ نباشد، چطور می‌توان سخن از خون و گردش خون در بدن کرد. قبل از سرمایه، سازه‌های اجتماعی لازم می‌باید فراهم شود. کما اینکه هنوز در مسابقه توسعه بین کشورها، مللی پیشی گرفته‌اند که از نظر سازه‌های اجتماعی دستاوردهای بیشتری داشته‌اند. ۵.

نقش و ضرورت سرمایه در کارآفرینی قابل انکار نیست، اما قبل از اینکه در مورد نبود سرمایه دل‌نگرانی داشته باشیم، باید به فکر ایجاد سازه‌های اجتماعی به منظور اشتغال باشیم. در بحث جذب سرمایه خارجی باید اذعان داشت کشوری تاکنون توانسته در جذب سرمایه‌های خارجی موفق باشد که قبل از آن در زمینه جذب و تجهیز سرمایه‌های داخلی موفقیت‌هایی کسب کرده باشد. در کشور ما ملزی می‌بینیم که در بین مالایی‌ها، چینی‌ها و هندی‌های مقیم ما ملزی، تحول فرهنگ ایجاد شده و به ویژه تحول فرهنگ در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در سطح خانواده‌ها و نظام اجتماعی برای انباشت سرمایه‌های خرد شکل گرفته است. لذا سیستم‌های بانکی و نظام‌های خرد اعتباری در کنار هم به انباشت و بکارگیری



جمله قالبی و کلیه بافی، برداشت و نیز فراوری بعضی از محصولات باغی و زراعی همچون خرما، زعفران و گل سرخ) می‌تواند تجربه‌ای فرهنگی برای گردشگران داخلی و خارجی باشد. صرف غذاهای محلی که توسط خود اهالی طبخ شده باشد نیز می‌تواند یکی از جاذبه‌های توریستی برای علاقه‌مندان به گردشگری فرهنگی باشد. در ضمن، ارایه این گونه خدمات فرصت بسیار خوبی را برای فروش انواع محصولات روستایی فراهم می‌کند.

ه) مهمترین عامل ایجادکننده فرصت شغلی در مناطق روستایی دولت تلقی می‌شود.

ریشه و اساس این تصور به دوران ۲۵۰۰ ساله دولت سالاری برمی‌گردد. ریشه لغوی "دولت" و مفهومی که این لغت در اذهان روستاییان و عشایر تداعی می‌کند و نیز یافشاری سازمان‌های دولتی در حفظ جایگاه خود به عنوان متصدی امور روستاها، بر تداوم این تصور حتی پس از انقلاب اسلامی صحنه گذاشته است. لذا جای تعجب نیست که مردم مسئولیت ایجاد شغل را عمدتاً از آن دولت می‌دانند. دولت در لفظ عوام به معنی ثروت و قدرت است. کسی که مالدار و توانگر است را دولت‌مند می‌نامند.

ریشه لغوی "دولت" و مفهومی که این لغت در اذهان روستاییان و عشایر تداعی می‌کند و نیز یافشاری سازمان‌های دولتی در حفظ جایگاه خود به عنوان متصدی امور روستاها، بر تداوم این تصور حتی پس از انقلاب اسلامی صحنه گذاشته است. لذا جای تعجب نیست که مردم مسئولیت ایجاد شغل را عمدتاً از آن دولت می‌دانند. دولت در لفظ عوام به معنی ثروت و قدرت است. کسی که مالدار و توانگر است را دولت‌مند می‌نامند.

سرمایه‌های داخلی و خارجی در رونق زندگی اقتصادی جامعه شهری در روستایی، فعال شده‌اند.

ز مردان، مخاطبان اصلی فرصت‌های اشتغال در روستا محسوب می‌شوند.

این یکی از خطاهای جدی و اساسی است. شکی نیست که بسیاری از فعالیتهای اجتماعی بیرون از منزل توسط آقایان انجام می‌شود. اما بسیاری از فعالیتهای تولیدی و معیشتی در روستا توسط زنان و غالباً با سرمایه اندک انجام می‌شود. این در حالی است که بیشتر برنامه ریزان بر این باورند که فقط مردان چرخ اقتصاد را می‌چرخانند و در نتیجه به خرده فرصتها و نیمه گمشده جامعه که زنان می‌باشند، توجه نمی‌کنند. از این رو در برنامه ریزی، عمدتاً اعتبارات بانکی برای آقایان و مشاغل رسمی در نظر گرفته می‌شود. این درحالی است که زنان در جامعه روستایی ایران و در فعالیتهای کشاورزی نقشی عمده و اساسی بازی می‌کنند. همچنین سیاستگذاری جهت ایجاد فرصتهای شغلی در مناطق روستایی تاثیر سه نکته دیگر حایز اهمیت است:

۱. نابرابری‌های بخشی و منطقه‌ای، در حال حاضر ۲۳ درصد (نزدیک به ۷۴) از تولید خالص ملی کشورما متعلق به بخش کشاورزی و تولیدات روستایی است. در صورتی که فقط ۲ درصد از بودجه کشور در بخش کشاورزی هزینه می‌شود. با این میزان تخصیص اعتباری به روستاها، طبیعی است که یکی از عوامل مهم در زمینه اشتغال و تولید از میان می‌رود و این امر منجر به افزایش مهاجرت روستاییان می‌شود.

۲. از سوی دیگر، محدودیتهای اقلیمی و بحرانهای طبیعی نظیر خشکسالی، آسبهایی را بر بخش کشاورزی و برنامه ریزی‌های این بخش تحمیل می‌کند و این نیز خواه ناخواه بر فشارهای مهاجرتی می‌افزاید، کمالینکه جمع کثیری از زابلی‌ها اکنون به مازندران و گرگان کوچ می‌کنند.

۳. تنوع و تعدد فراوان روستاها، نزدیک به ۶۰ هزار روستا در سراسر کشور، که دارای ۶۰ هزار اقلیم، آب و هوا، محصول و پیشینه گوناگون فرهنگی است. دولت با یک تمرکز و سازماندهی از بالا به پایین و بخش‌گرا نمی‌تواند بانی کارآفرینی در روستاها باشد.

شرایط موجود در روستاها همیشه متنوع بوده و در حال حاضر با گسترش ارتباطات و دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی، این شرایط متغیر نیز شده است. لذا بدون اعراق، اطلاعات دولت برای چاره اندیشی جهت کارآفرینی در سطح محلی کافی نیست.

هرگونه تلاش جدی برای رفع مسئله بیکاری در روستاهای کشور ناگزیر باید همزمان به تغییر بینش در میان کارشناسان، سیاستگذاران و مجریان ذیربط و نیز به شناسایی امکانات و استعدادهای محلی در روستاها و حساس کردن تولیدکنندگان روستایی به این امکانات همت

هرگونه تلاش جدی برای رفع مسئله بیکاری در روستاهای کشور ناگزیر باید همزمان به تغییر بینش در میان کارشناسان، سیاستگذاران و مجریان ذیربط و نیز به شناسایی امکانات و استعدادهای محلی در روستاها و حساس کردن تولیدکنندگان روستایی به این امکانات همت گمارد بدیهی است که تغییر بینش صرفاً با بیان «میسر نمی‌شود و یک باور جدید، معمولاً پس از انجام تجارب عملی و مشاهده تاثیر مثبت آن، به صورت یک باور عام و گسترده ظهور می‌کند.

گمارد. بدیهی است که تغییر بینش صرفاً با بیان میسر نمی‌شود و یک باور جدید، معمولاً پس از انجام تجارب عملی و مشاهده تاثیر مثبت آن، به صورت یک باور عام و گسترده ظهور می‌کند.

طرح تحقیقاتی و عملی توسعه محلی روستای خوره که با مشارکت همه جانبه اهالی این روستا و هماهنگی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی و معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد کشاورزی از شهریور ماه ۱۳۷۷ تا شهریور ماه ۱۳۸۰ انجام شد، ارتباط مستقیم با محیط روستا و تبادل تجربه را برای پژوهشگران این مرکز میسر ساخت. به راستی، چه عواملی موجب تضعیف روستاها و مهاجرت روستائیان به شهرها شده است؟ تا چه حد، خود روستاییان می‌توانند در حل مسایل محلی خود، با اتکا بر منابع محلی، نقش داشته باشند؟ نقش و مسئولیت سازمانهای تحقیقاتی و ترویجی مرتبط با توسعه روستایی چیست؟

علاوه بر مطالبی که در رابطه با معرفت شناسی کارآفرینی روستایی در بخش اول این مقاله مطرح شد دستاوردهای روش شناختی قابل توجهی نیز از تجربه مشارکتی خوره بدست آمده است که در اینجا به اختصار از این روش می‌شود.

روش شناسی کارآفرینی محلی، براساس تجربه توسعه محلی خوره

در ابتدا لازم است مفهوم واژگان "اشتغالزایی" و "کارآفرینی" مشخص شود. منظور از "اشتغالزایی" آن دسته فعالیتهایی است که توسط دولت با سرمایه گذاری و یا قانونگذاری جهت گردش سرمایه‌ها و منابع کلان ملی به منظور بکارگیری نیروی انسانی، در نظر گرفته می‌شود. طرح طوبی یک مثال از طرحهای اشتغالزاست. تاسیس کارخانه‌ها و شرکتهای تولیدی دولتی، تخصیص وام به

فارغ التحصیلان رشته کشاورزی و تخصیص اعتبار برای وامهای اشتغال جوانان، مثالهای دیگری از طرحهای اشتغالزایی است. حال در مقایسه با این گونه طرحها، کارآفرینی «وقتی صورت می‌گیرد که فرد و یا گروهی که مدیریت محلی منابعی را در اختیار دارد، برای خود (و گروهی دیگر از افراد) کار و درآمد ایجاد کند. البته همپوشانی‌های زیادی بین این دو روش (اشتغالزایی و کارآفرینی) قابل تصور است، اما تفاوت عمده بین این دو روش این است که اولی عمدتاً متکی بر دولت و سرمایه‌های کلان و دومی، متکی بر تفکر و نوآوری مردمی است.

طرح توسعه محلی خوره براساس امکانات محلی، به محث ایجاد فرصتهای شغلی از دیدگاه کارآفرینی "و نه اشتغالزایی" توجه کرده است.

در سال ۱۳۷۷، در تماسهای ابتدایی با روستاییان شهرستان محلات، اهالی روستای خوره (شمال شرق شهرستان محلات) داوطلب شدند تا در این طرح مشارکتی تحقیقاتی و عملی^۲ شرکت کنند. یکی از سوالات اصلی طرح پایلوت خوره این بود که آیا می‌توان برای حل مسایل یک روستا که موجب مهاجرت و تخلیه سکنه آن می‌شود از امکانات محلی (از جمله دانش بومی) بهره گرفت؟ و اگر جواب مثبت است، ملزومات پژوهشی این روش و محدودیت‌های اجرایی آن در سطح کلان ملی چیست؟ این طرح با اهداف و زمانبندی از پیش تعیین شده آغاز شد، اما در عوض خود را نسبت به فرایند تحقیقات عملی و مشارکتی با اهالی خوره مقید دانست. به این معنی که مرکز تحقیقات در کلیه مراحل طرح، از پژوهش، برنامه ریزی و اجرا موظف به نظرخواهی و جلب مشارکت مردم محل بود.

روستای خوره (شهرستان محلات) با ۳۰۰ خانوار جمعیت، در فاصله تقریبی ۲۰۰ کیلومتری شهر تهران در مسیر قم اصفهان قرار دارد. قدمت تاریخی خوره، بنا به شواهد باستان شناسی به ۶۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. به نظر می‌رسد به علت برخورداری از منابع آب، روستای خوره در زمانهای دور، از محوریت خاصی برخوردار بوده است. بقایای یک معبد (یا به روایت دیگر، یک شاه نشین) از دوران سلوکیان هنوز در غرب روستا پابرجاست. ۸.

جمعیت خوره عمدتاً از چهار طایفه (خاندان) تشکیل می‌شود: امیری، دلاوری، رحیمی و رضی. این چهار طایفه طی دورانهای مختلف در تاریخ کهن خوره، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند تفاوت‌های قومی و فرهنگی این طوایف به دلیل نزدیکی با محیط شهری (عمدتاً تهران) طی چهل سال اخیر از میان رفته است.

مساحت روستای خوره (با احتساب حریم آن که شامل منابع طبیعی، چراگاهها، باغستانها، مزارع و قلعه‌های قدیمی روستا می‌باشد) ۲۵۰ کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود. بنا به گفته اهالی، قبل از خشکسالی‌های اخیر (یعنی قبل از ۱۳۷۴) بیش از ۶۵۰ هکتار از این اراضی

در ۲۷ کشور آسیایی، از جمله ایران، فرصتهای اشتغال که در ۱۰ الی ۱۵ سال اخیر گسترش یافته عمدتاً در بخش خدمات بوده است. ۲۰ این در حالی است که کمترین توجه به فرصتهای اشتغال در بخش خدمات در جامعه روستایی شده و توسعه این امر در بخش صنایع روستایی نیز به رغم اقدامهای به عمل آمده سمت گیری برای ایجاد اشتغال موثر در جامعه روستایی متولی خاصی ندارد.

- خوره شناسایی و اولویت بندی شد. اهالی روستا پنج مورد از این مشکلات را به عنوان فشارهای اصلی مهاجرت خود نام بردند:
۱. بیکاری،
 ۲. درآمد کم،
 ۳. نبود دبیرستان،
 ۴. وجهه بهتر شهرنشینی،

- ۱- احیای پرورش مرغ بومی،
- ۲- احیای پخت نان سنتی،
- ۳- پژوهش و احیای روش طبیعی مبارزه با کنه گاوی و کرم سرخرطومی یونجه،
- ۴- شناسایی و ترمیم نقشه های کهن فرش منطقه،
- ۵- شناسایی و بررسی علمی الگوهای سنتی



زیرکشت بوده در صورتی که هم اکنون کمتر از ۳۰۰ هکتار آن کشت و زرع می شود. از محصولات عمده خورجه می توان به این موارد اشاره کرد: انار، گندم، جو، کنجد، انگور، مرغ صنعتی، گوشت (گوساله) و لبنیات (شیر و ماست). البته در گذشته میزان تولیدات روستا در سطحی متنوع تر بوده به گونه ای که بنه، آفتاب گردان، شیره انگور، رب انار، کشمش، بادام، گردو، قذک (کریاس)، قالی، گلیم، روغن حیوانی، پنیر و تخم مرغ را نیز شامل می شده است.

به روایت ریش سفیدان خورجه، زندگی در آن منطقه قبل از احداث جاده ها و راههای ارتباطی بسیار دشوار بوده و اهالی روستا عمدتاً با مشکلاتی همچون کمبود سوخت و انواع ملزومات زندگی روزانه، مواجه بوده اند. از این رو سرمای شدید و کار طاقت فرسا نیز از یادگارهای زمانهای گذشته است. علاوه بر این، حکایت هجوم و غارت ایلات بختیاری به منطقه نیز هنوز در گفته های ریش سفیدان روستا شنیده می شود. جالب اینجاست که با وجود دشواریهای متعددی که در منطقه وجود داشت، اسکان و زندگی مردم در خورجه به طور پیوسته و پایدار در این نقطه از ایران ادامه یافته و فقط در ۵۰ سال اخیر، (به رغم بهتر شدن شرایط زندگی) این منطقه شاهد مهاجرت مردم از روستا بوده است. به لحاظ جمعیت نسبتاً بالا و نیز پیشینه فرهنگی و اجتماعی آن، خورجه از سال ۱۳۱۰ از مدرسه و آموزش رسمی برخوردار بوده است. اما دبیرستان دخترانه و پسرانه همین روستا در سال ۱۳۷۴ به علت تعداد کم دانش آموزان تعطیل شد.

پیرو اصل همکاری و مشارکت در تحقیقات و چاره جویی محلی که در معرفی طرح مرکز تحقیقات روستایی با اهالی خورجه در میان گذاشته شده بود، کار توسعه محلی با برگزاری جلسات متعدد با گروهها و اقشار مختلف روستا (از جمله زنان، مردان، دامداران، کشاورزان، دانش آموزان، جوانان) و نیز تماسهای مکرر فردی با بزرگان و خبرگان آبادی آغاز شد. در این گفتگوها، نیازها و مشکلات روستاییان

- ۱- یاریگری منطقه برای شکل سازی جدید (از جمله تشکیل صندوق دامداران خورجه و سرویس دانش آموزی خورجه دلیجان)،
- ۲- گردآوری و احیای دو گونه از غلات بومی منطقه (جو دو رشه و گندم ریحانی)،
- ۳- مطالعه معماری منطقه و بنای ساختمان نمونه،

تاثیر مستقیم و غیرمستقیم این اقدامات در اشکال زیر و بانیته بهبود شرایط و کاسته شدن از فشارهای مهاجرتی ناشی از مسایل فوق الذکر بروز کرد:

- ۱- بیش از ۲۵ خانوار (از ۳۰۰ خانوار) روستا از درآمد جدید یا درآمد بیشتر بهره مند شدند.
- ۲- تولید گوشت قرمز از ۵۰ تن به ۱۰۰ تن در سال افزایش یافت.
- ۳- با بیش از ۳ هزار قطعه مرغ گوشتی و تخم گذار بومی، تولید گوشت مرغ و تخم مرغ طبیعی (بدون آلودگی ها شیمیایی و دارویی) در منطقه پایه گذاری شد.
- ۴- ترمیم نقشه های کهن فرش و شکل گروه بافندگان ماهر روستا، پایه گذاری بازاریابی فرش به صورت سفارشی را ممکن

۵- نبود مسکن ارزان و مطمئن.

لازم به ذکر است که میزان مهاجرت در سال ۱۳۷۷ (مهر ماه) برابر با ۵ خانوار بود. اهالی تاکید می کردند که آنچه در تعیین زمان مهاجرت یک خانواده بیش از عوامل دیگر اثرگذار است رسیدن اولین فرزند به سن دبیرستانی است. آنان که استطاعت مهاجرت را داشتند (به ویژه از قشر فرهنگیان و کارمندان) برای ادامه تحصیل دانش آموز دبیرستانی خود به شهر مهاجرت می کردند.

پس از شناسایی این مشکلات، تحقیقات مشارکتی با کمک اهالی پیرامون امکانات موجود از جمله دانش بومی منطقه آغاز شد تا استعدادهای (پتانسیل) محلی جهت رفع مسایل موجود شناسایی شود. همزمان با انجام تحقیقات، گروههای ذینفع در هر مسئله، به منظور چاره جویی و اقدام جمعی، شناسایی و گردهم آورده شدند. در طی دو سال و نیم فعالیت تحقیقاتی و عملی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی با مشارکت و همفکری اهالی روستای خورجه اقدامات زیر جهت رفع مسایل صورت گرفت:

ساخت.

۵ با احیای پخت سنتی نان، صادرات نان از خورهره به تهران آغاز شد.

۶ یادک ارزش روشهای طبیعی (سنتی) در تولیدات زراعی و دامی، تولید کشمش طبیعی (بدون تزیاب)، روغن حیوانی، سبزی خشک (بدون استفاده از کود و سموم شیمیایی) برای صادرات به تهران از سرگرفته شد.

۷- با راه اندازی سرویس دانش آموزی، بیش از ۳۰ خانوار دوباره (بدون نیاز به مهاجرت) به تحصیلات دبیرستانی دست یافتند.

۸- با بازگشت بیش از ۷ خانوار خورهره‌ای از تهران به زادگاه خود، کمبود مسکن در روستا بیش از پیش محسوس شده است. همچنین تمایل بیش از پیش مهاجران خورهره ساکن در تهران و اصفهان برای گذران تعطیلات در روستا، بر نیاز خورهره به ساخت و ساز و توسعه عمرانی افزوده است. در نتیجه از سال ۱۳۸۰ ساخت و ساز واحدهای مسکونی جدید (۱۲ دستگاه) آغاز شده است.

۹- مشارکت فکری و مالی مهاجران خورهره ساکن در تهران، تأسیس اولین موسسه مردمی دولتی روستایی کشور (خانه ترویج و ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خورهره) را ممکن ساخت.

۱۰- فعالیت و تشکل سازی در میان جامعه مهاجر ساکن در تهران و رونق اقتصادی روستا زمینه تثبیت بانک خورهره (بانک ملی) واحداث ساختمان دایمی آن در روستا (۱۳۸۰) را فراهم آورد.

۱۱- اولین خیرنامه علمی فرهنگی روستایی کشور (گانهامه دانش بومی و توسعه) توسط ایستگاه تحقیقاتی خورهره (با مشترکین در دانشگاهها، موسسات دولتی و غیردولتی داخل و خارج از کشور) تدوین و منتشر شد.

آنچه در اینجا نیاز به تاکید دارد این است که طرح پایلوت خورهره با این هدف آغاز نشد که نتایج کار خورهره عیناً به دیگر روستاهای کشور تعمیم داده شود. مثلاً حالا که خورهره، نان سنتی، گوشت مرغ و تخم مرغ طبیعی و قالی سفارشی تولید می‌کند، این نسخه‌ای نیست که برای کلیه روستاهای کشور پیچیده شود. اما با مستندسازی فرایند تحقیقاتی و اجرایی تلاشهای جمعی و فردی اهالی خورهره، روشی برای تسهیل کردن این فرایند (بدون نیاز به نظارت، اطلاع رسانی و مشارکت گام به گام کارشناسان مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی یا ادارات ترویجی) تدوین شده است.

روش تسهیلگری توسعه محلی براساس امکانات محلی هم اکنون به عنوان یک روش مدون قابل آموزش در راستای توانمندسازی فکری مروجان و رهبران محلی روستاها فراهم شده است. روش تسهیلگری توسعه محلی از سوی ستاد شبکه تجهیز نیروی انسانی معاونت ترویج و مشارکت مردمی و دفتر امور زنان روستایی و عشایری این وزارتخانه به عنوان روش منتخب آموزش به مروجان و رهبران محلی شناخته شده است. ۹- از طریق شرکت در کارگاههای آموزشی

تسهیلگری، مروجان محلی از الگوی فکری و عملی بدست آمده توسط اهالی خورهره در جهت:

شناسایی نیازها و مشکلات و اولویت بندی آنان

شناسایی امکانات و منابع محلی شناسایی فرصتهای بازار ایجاد ارتباط اجتماعی روشن و موثر برای تشکل سازی و هم اندیشی همکاری بین اهالی

برنامه ریزی پیش از آغاز فعالیتهای تولیدی (از بازاریابی و تولید تا فروش)

آگاه می شوند و می توانند در مسیر شروع فرایند توسعه محلی در روستای خود با مشارکت بزرگان و خبرگان محلی همت گمارند. از این طریق، ضمن اینکه مروجان به سوی عدم اتکا به حمایت سازمانهای دولتی تشویق می شوند، راه آنها برای مشارکت با سازمانهای دولتی و غیردولتی هموار می شود.

روش تسهیلگری راه نوینی برای تشویق توسعه محلی محسوب نمی شود. قبل از کاربرد فنون تسهیلگری در توسعه محلی خورهره، این فنون برای پیشبرد اهداف توسعه روستایی در دیگر کشورهای آسیایی به کار برده شده بود. اما روش تسهیلگری توسعه محلی که در خورهره تدوین شده است، روشی کاملاً سازگار با پیشینه فرهنگی و اجتماعی جوامع روستایی ماست. این روش تسهیلگری توسعه محلی نه تنها روشی برای تحقیقات عملی و مشارکتی (IPAR) بدست داده، بلکه روشی جامع برای کاربردیافته های تحقیق برای حل مسایل روستایی توسط خود اهالی را مهیا ساخته است.

نتیجه گیری

با اجرای طرح تحقیقاتی و عملی توسعه محلی روستای خورهره، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، نه تنها در جهت بررسی مسایل روستایی، بلکه در راستای حل این مسایل با مشارکت اهالی روستا گام برداشته است. این عملکرد متفاوت در پژوهش به مرکز تحقیقات کمک کرده است تا به دیدگاه روستاییان نزدیکتر شود و به مسایل از دید روستاییان بنگرد. علاوه بر آنچه در مورد توسعه محلی خورهره و روش مدون و قابل آموزش تسهیلگری توسعه محلی براساس امکانات محلی گفته شد، دستاورد مهم دیگری نیز حاصل شده است که مستقیماً به محور اصلی بحث امروز برمی گردد. این دستاورد در این جمله بیان می شود که احیای بقای جوامع روستایی و عشایری و تخفیف مهاجرتها، تنها با ایجاد شغل (چه به دست خود اهالی و چه توسط دولت) میسر نمی شود. برای توضیح بیشتر این یافته پژوهشی مقدمه کوتاهی لازم است:

در طی تاریخ تفکر و اجرای تحقیقات و ترویج روستایی، در هر برهه از روند تکاملی آن، راه حل نهایی برای کاهش از مهاجرت، یک چیز خاص تلقی شده است. طبعاً سیاستگذاران توسعه روستایی نیز تنها در راستای دستیابی به

آن چیز خاص تلاش و برنامه ریزی کرده اند. مثلاً در ابتدا، با الهام گیری از تحولات و مطالعات انجام شده در خارج از کشور، انتقال تکنولوژی (از جمله ماشین آلات کشاورزی، بذرها و نژادهای اصلاح شده، نهادهای شیمیایی و موتور پمپ و چاههای عمیق و نیمه عمیق برای استخراج آبهای زیرزمینی) به منظور بالا بردن تولید و در نتیجه افزایش درآمد روستاییان در نظر گرفته شد. پیامد مثبت این روند، افزایش کار و درآمد روستاییان بود و پیامد منفی آن (که حالا گریبانگیر روستایی و دولت هر دو شده است) آسیب خاکهای زراعی، کاهش و تقلیل منابع آبهای زیرزمینی و نهایتاً افزایش روند مهاجرت روستاییان بود. بعد از انقلاب، براساس تفکر جدید توسعه در جهان و همچنین با اراده انقلابی آن زمان، در راستای توسعه زیربنایی و بهبود رفاه و بهداشت اهالی روستاها، گامهای بسیار ارزنده‌ای برداشته شد. اما باز مهاجرت از روستا به شهر بیشتر شد. حال که بحث روز ما، بحران بیکاری است و مطمئناً بحث بسیار ضروری و حساسی نیز هست، راه حل نهایی مهاجرت از روستا به شهر را رفع بیکاری و افزایش درآمد می پنداریم. طرح توسعه محلی خورهره به ما اجازه می دهد که گامی فراسوی این دیدگاه مقطعی بگذاریم و پیامد آن را که به هیچ وجه چنین نیست.

در فرایند توسعه محلی خورهره، اهالی این روستا موفق به حل چندی از مبرم ترین مشکلات خود شده اند. همچون عدم دسترسی به دبیرستان که به طور کلی حل شده است. همچنین با الگوسازی مناسب در این روستا، هم اکنون جوانان فعال و طالب کار می توانند از انواع فعالیتهای تولیدی درآمدزا استفاده کنند. اما باین حال، مهاجرت کماکان ادامه دارد. اگر چه با جذب چند خانوار از تهران در دو سال

تصور غالب این است که درآمد

و گذران زندگی افراد و

خانواده‌ها در روستا باید از یک

شغل و یک پیشه باشد. اما این

تصور با آنچه در محیط روستا

مقدور و مطلوب بوده و هست

مطابقت ندارد. در اقتصاد

روستا، مردم معیشت خود را از

مجموعه‌ای از خرده مشاغل

تامین می‌کنند. وقتی برنامه

ریزان فقط برای ایجاد یک شغل

طرح می‌ریزند، طبعاً به خرده

مشاغل توجهی ندارند. در

صورتی که مشاغل فصلی و

فعالیهای کوچکتر کنار هم قرار

می‌گیرند و معیشت روستاییان را

تامین می‌کنند.

حدود اختیارات خود اهالی است.

ب) عواملی که تغییر و تخفیف در آنها در حدود اختیارات اهالی نیست.

میزان تلاش اهالی خوره در دو سال اخیر در تغییر و تخفیف عواملی که در حدود اختیارات آنان بوده است جداً ستودنی است. اهالی خوره با این کار نه تنها از حدود اختیارات و امکانات خود استفاده کرده‌اند بلکه در عمل حدود اختیارات و مسئولیت‌های دیگران (از جمله سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی) را نیز مشخص کرده‌اند. مثلاً آنچه در حدود مسئولیت‌های محققان توسعه روستایی از این طریق نشان داده شده است این است که تنها نباید به عوامل درونی روستاها و تلاش برای تشویق روستاییان به حل مشارکتی مسایل خود بسنده کنیم. بلکه همزمان باید به کنکاش در ریشه‌یابی عواملی باشیم که از بیرون موجب می‌شوند که امید روستایی از یافتن آینده خود و فرزندان‌شان در روستا منقطع شود و پیشرفت و ترقی خود را فقط در مهاجرت در شهر ببیند. به راستی:

علل ناهماهنگ بودن سیاست‌های ادارات دولتی مرتبط با امور روستاها چیست؟

با وجود تمام مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی مرتبط با زندگی شهرنشینان، علل سلیقه روستایی برای انتخاب زندگی



خوبی تعریف می‌کنند، بالاخره آدم باید پیشرفت بکند.

آینده بچه‌ها برای ما خیلی مهم است. دسترسی به امکانات آموزشی هر چقدر که در خوره بهتر شود، به پای قم و تهران که نمی‌تواند برسد.

ما اینجا زندگی می‌کنیم، ولی اختیار منابع دست ما نیست. پسر من، جوان آماده و مشتاق به کار، سه‌سال تمام دنبال یک موافقت اصولی

اخیر، از مجموع کاهش جمعیتی کاسته شده است، اما کماکان مهاجرت خانواده‌های ساکن خوره به محلات، دلیجان و قم عمل‌ناشان می‌دهد که ایجاد کار و افزایش درآمد به تنهایی نمی‌تواند مسئله مهاجرت را حل کند.

در پاییز سال ۱۳۷۹، فیلم ویدیویی مستندی از تحولات توسعه محلی خوره توسط ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی تهیه و در چند نوبت برای اهالی به نمایش گذاشته شد. در انتهای نمایش این فیلم از اهالی در مورد آن و اینکه حالا بعد از دو سال و اندی تلاش، می‌تواند بگویند که خود توانسته‌اند (با تلاش محلی) حداقل، مسئله کار و درآمد دسترسی بیشتر به دبیرستان را حل کنند پرسش شد. همچنین از آنان در مورد ادامه مهاجرت‌ها نظر خواهی شد. از آنان به صراحت پرسیده شد، دو سال پیش شما مجبور به مهاجرت بودید چون کار نبود و دبیرستان نبود، حالا چرا مهاجرت می‌کنید؟ پاسخ اهالی به این سوال به طور خلاصه شامل نظرات زیر بود:

درست است که ما می‌توانیم کار و درآمد در روستا داشته باشیم، ولی هزینه‌هایی مثل آب و برق و تلفن و سوخت در روستا بیشتر از شهر است. معلوم است که دولت ترجیح می‌دهد مردم در شهر زندگی کنند. درآمد ما در شهر می‌تواند بیشتر باشد و این قبیل هزینه‌ها کمتر. مهاجرت در نهایت به سلیقه افراد برمی‌گردد. کمتر خانواده جوانی پیدا می‌شود که استطاعت رفتن به شهر را داشته باشد و مهاجرت نکند.

اینجا اگر ما مسئله‌ای داشته باشیم، باید خودمان حل کنیم، ولی در شهر، دولت مجبور است خودش پایش بگذارد.

می‌گویند هوای تهران آلوده است و صحبت از جیره‌بندی آب است ولی مگر ده، پانزده میلیون تهرانی چه می‌کنند، ما هم پس از مهاجرت به تهران همان کار را می‌کنیم. تازه اگر وضع از این که هست بدتر شود، دولت خودش مجبور است فکری به حال این دو مسئله بکند. اقوام و خویشاوندان ما که یک سال پیش مهاجرت کرده‌اند وقتی تابستان به دیدن ما می‌آیند این قدر فرق کرده‌اند. لباسهای نو، سر وضع مرتب. آنها از زندگی در شهر چیزهای



شهری" در چیست؟
توجه تفاوت نرخ آب، برق و سوخت بین شهر و روستا چیست؟

آیا می‌توان با انجام تحقیقات لازم در این موارد، زمینه تسهیلگری برای دستیابی به سیاست‌گذاری مشارکتی بین وزارتخانه‌های ذیربط را فراهم ساخت؟

اگرچه مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی نمی‌تواند مسئولیتی در قبال آنچه مهاجران جدید در بازدید از روستایشان به آن تفاخر می‌کنند عهده‌دار شود، اما آیا مرکز تحقیقات روستایی می‌تواند با بررسی برنامه‌های صداوسیما، و مطالعه تاثیر این برنامه‌ها بر نگرش روستاییان نسبت به خود، به برنامه ریزان این دو رسانه در راستای تولید برنامه‌های مناسب یاری رساند تا جنبه‌های برتر روستا و

برای دامداری از جهاد و منابع طبیعی و بانک کشاورزی دوندگی کرد و آخرش هم خسته شد و به محلات مهاجرت کرد. حالا آنجا تا کسی دارد.

بنابراین اظهارات و رفتار مهاجرتی اهالی خوره روشن است که:

۱- مهاجرت از دیدگاه دولت مسئله‌ای مهم و ملی است، اما از دیدگاه روستاییان یک هدف مطلوب است. پس از حل مسئله بیکاری، با توجه به شرایط فعلی، یک خانواده روستایی تنها وقتی که استطاعت لازم برای مهاجرت به شهر را بیابد در روستا ماندگار خواهد بود.

۲- عوامل اثرگذار بر یک خانواده روستایی (که او را به سوی مهاجرت سوق می‌دهد) بر دو قسم‌اند:

الف) عواملی که تغییر و تخفیف در آنها در

روستائیشینی در مقایسه با شهر و شهرنشینی بیشتر و به نحوی واقع گرایانه تر منعکس شود؟ به طور خلاصه با توجه به اظهارات اهالی خورهه می توان نتیجه گرفت که در حال حاضر، برآیند تاثیر عوامل بیرونی و درونی مهاجرت، گماکان به سوی امیدواری بیشتر روستائیان به آینده ای بهتر در محیطی غیر از روستای خود تمایل دارد. لذا تلاش محلی برای رفع مسایل روستایی (از جمله بیکاری)، به تنهایی برای چاره جویی جدی با مسئله مهاجرت، کافی نیست. کاهش مهاجرت از روستا به شهر و در نتیجه ابقا و احیای جوامع روستایی، این کانونهای تولید غذا، در گرو همکاری و هماهنگی نزدیکتر و بیشتر ارگانهای دولتی و سیاستگذاری مشارکتی این سازمانها یا یکدیگر است.

در پایان، به هم پیوستگی مسایل روستایی با هم و نیز درهم تنیدگی مسئله مهاجرت روستائیان از یک سو و مسایل اجتماعی و زیست محیطی شهرنشینی از سوی دیگر، نشان از این دارد که ما پژوهشگران توسعه روستایی نمی توانیم تنها از لحاظ حرفه ای خود را در این مورد صاحب نظر بدانیم. برای آن دسته از ما که در شهرهای بزرگ مانند تهران زندگی می کنیم، اثرات نامطلوب ازدیاد نامتعادل جمعیت شهری به صورت آلودگی هوا، ازدیاد تراکم، گرانی، کمبود آب و کاهش امنیت اجتماعی کاملاً محسوس است. اما در مقایسه، اثرات نامطلوب تخلیه جمعیتی روستاها و کاهش ظرفیتهای تولیدی این کانونهای محلی تولید غذا، پدیده ای بس نگران کننده تر است که به تدریج خود را آشکار خواهد کرد. "امنیت غذایی در محافل مرتبط با توسعه کشاورزی" از مفاهیم آشناست و لزوم حفظ کانونهای تولید غذای کشور نیاز به تاکید و تشریح بیشتر ندارد. اما با بروز بیماریهایی چون جنون گاوی در کشورهای صادرکننده مواد غذایی و نیز آلودگی بسیاری از غذاهای وارداتی به انواع افزودنی ها، سموم شیمیایی و ناخالصی های ژنتیکی (که هر یک مشکوک به ایجاد یک نوع بیماری در انسانهاست^{۱۱}) بیم آن می رود که بحث خودکفایی ملی برای تولید "غذای امن" و مطمئن درسالهای آتی توجه بیشتری را در محافل علمی و مدیریتی کشور و نیز در بین خانواده ها طلب نماید. لذا تلاش مجدانه برای حفظ روستاهای کشور به عنوان کانونهای تولید غذای مطمئن و سالم (همراه با تأمین درآمد و رضایت کافی تولید کنندگان روستایی) بیش از اینکه از مباحث حرفه ای ما باشد، از وظایف ملی و فردی مامحسوب می شود.

یادداشتها

۱ این مقاله اولین بار در سمینار علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد کشاورزی در تاریخ ۹ اسفند ماه ۱۳۷۹ ارائه شد. برای به روز شدن مقاله، اندک تغییراتی به آن اضافه شده است.

۲ APO, ۲۰۰۱.

۳ مثلاً در طرح طوبی فرض بر این بود که فلان مقدار

با توجه به اظهارات اهالی خورهه می توان نتیجه گرفت که در حال حاضر، برآیند تاثیر عوامل بیرونی و درونی مهاجرت، گماکان به سوی امیدواری بیشتر روستائیان به آینده ای بهتر در محیطی غیر از روستای خود تمایل دارد. لذا تلاش محلی برای رفع مسایل روستایی (از جمله بیکاری)، به تنهایی برای چاره جویی جدی با مسئله مهاجرت، کافی نیست. کاهش مهاجرت از روستا به شهر و در نتیجه ابقا و احیای جوامع روستایی، این کانونهای تولید غذا، در گرو همکاری و هماهنگی نزدیکتر و بیشتر ارگانهای دولتی و سیاستگذاری مشارکتی این سازمانها یا یکدیگر است.

زمین، فلان تعداد شغل ایجاد می کند. اما در عمل، در کردستان و خیلی دیگر از استانها، روستائیان شرکت کننده، طرح طوبی را تنها بخشی از کار روزانه بافتمنگی خود می دانند. آنها انتظار ندارند که با ۲ یا ۳ هکتار زمین زندگی آنان به کلی تأمین شود. از دیدگاه روستائیان، تنها ۶۳ روز برای فعالیتهای باغداری مثل باغن، کوفدوری، هرس، میوه چینی و غیره کافی است مابقی باید صرف دامداری، رراخت و دیگر فعالیتهای درآمدزای شود.

۴ مثلاً در خوزستان، در میان عشایری که ساکن شده اند ولی هنوز به نخ ریسی مشغول اند، استفاده از بیکه های تعمیری که بره های آنان را جدا کرده اند، کارایی خانواده ها در ریسی ۱۱ برابر بهبود پیدا کرده است. مطمئناً نمونه های دیگری هم وجود دارد که هنوز توسط محققان توسعه روستایی شناسایی و مستند نشده است.

۵ در سال ۱۹۷۲، بیش از نیمی شده بود که (براساس تکامل بیشتر توسعه اجتماعی) کره جنوبی در مسابقه توسعه، از ترکیه و ایران به شدت جلو خواهد افتاد. ما این جلوگیری کردیم و ما این جلوگیری کردیم. این البته به خاطر سرمایه بیشتر آنها بوده است، چون سرمایه آن زمان آنان از الان ما بسیار کمتر بود. کره ای ها در این مسابقه برنده شده اند. چون قادر بوده اند که زیرساختهای خود را برورارند. آنان مانند زانی ها توانسته اند از الگوهای ارتباط قومی و حیوانداری در ایجاد رابطه بهتر بین کارگر و کارفرما استفاده کنند.

۶ عمادی، ۱۳۷۸.

V Participatory action research

۸ برای اطلاعات تاریخی بیشتر نک به مرتضی فرهادی، ۱۳۷۴.

۹ از تاریخ برگزاری سمینار تاکنون کارگاه سه روزه شهنگری توسعه روستایی براساس امکانات محلی به مرهجان زن ۱۹ روستای شهرستان خمین (استان مرکزی) و ۱۶ روستای شهرستان رودان (استان هرمزگان) آموزش داده شده است. برای اطلاع بیشتر در مورد نتایج عملی کارگاه و فعالیتهای خودجوش مروجان و روستاهای مربوطه، با دفتر امور زنان روستایی و عشایری جهاد کشاورزی و یا مدیریت ترویج استانهای مربوطه تماس بگیرید.

۱۰ برای اطلاع بیشتر در مورد کاربرد شهنگری و تحقیقات و توسعه مشارکتی در جوامع روستایی کشورهای آسیایی نک، UNCRD ۱۹۸۸، CIRUAP ۱۹۹۷، APO ۱۹۹۸، ۱۹۹۰ United Nations.

۱۱ برای اطلاع بیشتر در مورد (participatory action research) PAR نک به فوت وایت ۱۳۷۸.

۱۲ برای اطلاع بیشتر نک به مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی (۱۳۷۹) نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت جهاد سازندگی.

۱۳ با مقایسه این هزینه ها در روستای خورهه و شهر محلات (براساس نرخهای ۱۳۸۰) اختلافات زیر بدست آمد: هزینه برق، نرخ برق در روستای خورهه ۱۶ درصد بیشتر از نرخ برق در شهر محلات است.

هزینه سوخت، در خورهه، مصرف متوسط یک خانواده ۵ نفری در فصل زمستان برابر با ۲۰ لیتر در شبانه روز است. لذا هزینه ماهانه سوخت در این فصل در روستا (براساس قیمت متوسط هر لیتر برابر با ۱۴ تومان) معادل با ۸۴۰۰ تومان قابل محاسبه است. در محلات، به طور متوسط، هزینه گاز مصرفی زمستان یک خانواده ۵ نفری برابر با ۳۰۰۰ تومان است.

هزینه آب، نرخ اشتراک ماهانه آب در محلات نسبت به خورهه ۶۲ درصد بیشتر است. اما نرخ آب بهای هر متر مکعب در روستای خورهه ۲۱ درصد بیشتر است.

هزینه نطف: هر پالس مکالمه تلفنی برای خورهه و محلات برابر با ۲۵۲ ریال است. تعداد پالس برای مکالمات تلفنی از خورهه و محلات برابر است. (منبع: شرکت مخابرات شهرستان محلات، به نقل از خسرو شریفی، مسئول مخابرات روستای خورهه)

۱۴ برای اطلاع بیشتر نک به نظرات جنبی واردات مواد غذایی، گاهنامه دانش بومی و توسعه، ش ۳ و ۴، تابستان ۱۳۸۰، ص ۲.

منابع

- عمادی، محمدحسین (۱۳۷۸) تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش و برنامه روستا و توسعه، سال ۲، ش ۴، صص ۱۲۰-۱۲۴.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷) شهرستان محلات، کانون تاریخی با حاذیتهای فراوان پیرامون اراک فصلنامه راه دانش، ش ۸، بهار و تابستان.
- فوت وایت، ویلیام (۱۳۷۸) پژوهش عملی مشارکتی ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- APO (1988). Training Method for Integrated Local Community Development Proceeding of a Seminar, 6-18 October 1992, Seoul, SouthKorea. Tokyo: Asian Productivity Organization.
- (2001) Rural Transformation in Asia and Pacific Tokyo, Asian Productivity Organization.
- CIRDAP (1997) CIRDAP Approach to Rural Development. Dhaka: CIRDAP
- UNCRD (1988) Local Social Development Planning, vol. 1: perspectives, Nagoya, Japan: United Nations Centre for Regional Development
- United Nations (1990) Participatory Rural Development in Selected Countries: A Report on Action Plan for Multiplication of Participatory Rural Development. Bangkok